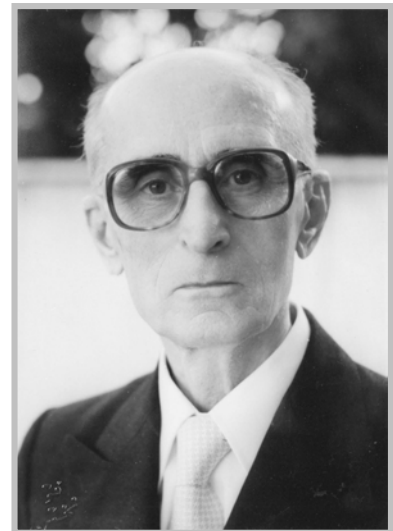


نامه ها و اظهار نظرها

اشاره: این بخش از ماهنامه‌ی حافظ به بررسی و ارائه‌ی اظهارنظرهای شما خوانندگان عزیز در مورد مطالب گوناگون مندرج در شماره‌های گذشته‌ی حافظ و همچنین به بیان نظرات و دیدگاه‌های مختلف شما در موضوعی خاص پرداخته و فرصتی برای گفت‌وگو بیشتر پدید می‌آورد.

یادی از شادروان استاد دکتر غلام‌حسین صدیقی



به‌طور یقین، دانشجویانی که در سال‌های ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۳ در رشته‌ی کارشناسی علوم اجتماعی در دانشگاه تهران و یا دوره‌ی کارشناسی‌ارشد تحقیقات و مطالعات اجتماعی در دانشکده‌ی واقع در میدان بهارستان پشت ساختمان سازمان برنامه و بودجه‌ی فعلی مشغول تحصیل بوده‌اند، به یاد دارند رشته‌ی علوم اجتماعی در آن زمان هنوز در جامعه شناخته‌شده نبود، به‌طوری که در سال‌های بعد نیز بعضی از فارغ‌التحصیلان این رشته که برای استخدام به سازمان‌ها مراجعه می‌نمودند، درباره‌ی رشته‌ی تحصیلی‌شان با سؤال همراه با تعجب سؤال‌کننده مواجه می‌شدند. متقاضی

مطالب آن‌ها با حداکثر توان فهمیده و یاد گرفته شود. در کلاس درس ایشان حدود ۲۰۰ تا ۲۵۰ دانشجو همیشه شرکت داشتند، برخلاف دانشجویان کلاس‌های درس امروز در دانشکده‌ها که دانشجویان اختلاف سن فاحشی با یک‌دیگر ندارند، اختلاف سن آنان زیاد بود، به‌حدی که بین دانشجویان افراد زیادی دارای سن بین ۲۵ تا ۵۵ نیز دیده می‌شدند، استاد برای این که به استعداد و میزان تلاش و فراگیری فرد فرد دانشجویان وقوف یابند، موضوعات و مباحث مختلفی را برای کنفرانس آنان انتخاب می‌نمودند. برای هر موضوع چهار تا پنج دانشجو می‌بایستی در فرصت داده‌شده مطالعه و تحقیق نموده خودشان را آماده‌ی کنفرانس می‌کردند، چنان‌چه دانشجویان به منابع مربوط به موضوع کنفرانس دسترسی نداشتند و یا نمی‌دانستند از کدام منابع باید استفاده شود به استاد برای راهنمایی مراجعه می‌کردند و از هدایت بی‌دریغ ایشان بهره‌مند می‌شدند. به‌ندرت اتفاق می‌افتاد در یک جلسه دو موضوع کنفرانس داده شود، گاهی کنفرانس یک موضوع بیش از یکی دو جلسه به‌طول می‌انجامید، در روز کنفرانس چهار یا پنج

شغل لازم می‌بود مطالبی پیرامون رشته‌ی تحصیلی خود و اهمیت آن در جامعه اظهار می‌نمود. این اظهارات تا چه اندازه می‌توانست تأثیرگذار باشد، بستگی به دانش و اطلاعات و روش‌بینی شنونده داشته است. در چنین شرایط اجتماعی، شادروان دکتر صدیقی با دل‌گرمی و پشت‌کار و قاطعیت کم‌نظیر، به‌عنوان مسؤول و مدرس رشته‌ی علوم اجتماعی در دانشگاه تهران فعالیت می‌نمودند، پُرباری، وقار و فراست آقای دکتر صدیقی نه تنها ایشان را بین دانشجویان رشته‌ی علوم اجتماعی، بلکه نزد دانشجویان دیگر رشته‌های دانشکده‌ی ادبیات مانند رشته‌ی ادبیات زبان فارسی، رشته‌های ادبیات زبان‌های فرانسوی و انگلیسی و رشته‌ی تاریخ و حتا در تمام دانشگاه، در زمره‌ی اساتید انگشت‌شمار درآورده بود که احترام و تحسین همه را نسبت به خود جلب می‌نمود. سخت‌گیری استاد در تحصیل دانشجویان به‌صورتی بوده که همه می‌دانستند دروسی که تدریس می‌نمایند و منابعی را که برای مطالعه انتخاب و معرفی می‌کنند، باید با دقت و حوصله مورد مطالعه قرار گیرد و

اقتصاد و کالت



موضوع اقتصاد و کالت، حاصل تدبیری تحقیقی از نقطه نظر اقتصادی راجع به تفاوت ساختار سازمان قضا در ایران و غرب، بویژه از نگاه تاریخ اقتصادی است. از آنجا که کتاب ارزشمند و محققانه‌ی پروفیسور سیدحسن امین به نام **تاریخ حقوق ایران** الهام بخش من در طرح این تطویه بوده است.

اقتصاد و کالت

بنابر داده‌های مرکز آمار ایران در سال ۱۳۸۱ در مجموع ۲۸۳۴ شعبه دادگاه‌های عمومی و تجدیدنظر کل کشور، جمعاً ۶۰۳۷۵۷۵ پرونده مختومه گردیده است. چنانچه به‌ازای هر پرونده یک نفر شاکی و یک متهم در نظر بگیریم، در سال مذکور حداقل ۱۲۰۷۵۱۵۰ نفر به‌عنوان یکی از طرف‌های دعوا در دادگاه‌های کشور حضور یافته‌اند، در مقابل بنا به اظهارات رسمی مقامات قضایی، جمعاً ده‌هزار وکیل عملاً کار وکالت را در سرتاسر کشور انجام می‌دهند. بر این اساس، نسبت وکلای دادگستری به تعداد موکلین در دادگاه‌های ایران، کمی بیش از هشت صدم یک‌درصد برآورد می‌گردد. با وجود این، تعداد کل وکلای رسمی تحت نظارت کانون وکلای دادگستری در سیزده مرکز ایران، حدود

ناگزیر به ایستادن بودند. برای فارغ‌التحصیلان رشته‌ی علوم اجتماعی که در دوره‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی تحقیقات و مطالعات اجتماعی ادامه‌ی تحصیل می‌دادند، شرکت فارغ‌التحصیلان دوره‌ی کارشناسی سایر رشته‌ها در کلاس‌های رشته‌ی کارشناسی ارشد تحقیقات و مطالعات اجتماعی سؤال برانگیز بود که بعدها متوجه شدند نظر شادروان این بوده افراد بیش‌تری در مسیر دانش علوم اجتماعی قرار گیرند، به ضرس قاطع می‌توان گفت اقدام مزبور کار بسیار مهمی بوده که در آن زمان در جامعه صورت گرفته است، چون قبلاً هیچ توجهی به آن نشده بود. اغلب اتفاق می‌افتد دانشجویان در خاتمه‌ی کلاس از استاد مطلبی و یا معنی لغاتی را سؤال می‌نمودند، ایشان با کمی مکث اظهار می‌داشتند در موقع مطالعه دقت کافی به کار نرفته است، زیرا در قسمت زیرنویس کتاب نویسنده توضیحات کافی را داده و یا معنی لغت نوشته شده است. دانشجویان در مطالعه‌ی مجدد پی می‌بردند که مطالعه‌ی قبلی را بدون دقت انجام داده‌اند. با این رفتار، دانشجویان روش مطالعه‌ی خود را اصلاح می‌نمودند. اغتنام فرصت، هر کاری را به‌موقع انجام‌دادن، دوری‌جستن از دوگانگی در سخن، برخورداری از صداقت و صراحت در گفتار، داشتن نظم و ترتیب خاص در کارها و تواضع و فروتن‌بودن از صفات بارز استاد بود. آنان که در زمان وزارت مراجعاتی به ایشان داشته‌اند، همه بر این گفته اذعان دارند که شادروان هیچ‌گاه در پشت میز وزارت اجازه‌ی این‌که مراجعه‌کننده‌ی مسایل شخصی و یا خانوادگی خود را مطرح سازد، نمی‌دادند. معتقد بودند در پشت این میزها باید صرفاً امور مربوط به عامه مردم و همگانی حل و فصل گردد و تصمیمات لازم اتخاذ و به‌اجرا درآید. خدایش قرین رحمت کند.

مهدی بدرزاده - ۱۳۸۳/۵/۱

نفری که بنا به انتخاب استاد آماده‌ی کنفرانس‌دادن بودند، روی نیمکت ردیف اول کلاس می‌نشستند، آقای دکتر یک‌نفر از آنان را برای سخنرانی انتخاب می‌نمودند، بقیه‌ی افراد آماده‌ی کنفرانس با سایر دانشجویان در فضایی که سکوت در آن حکم‌فرما بود، به سخنان کنفرانس‌دهنده گوش می‌دادند. وقتی سخنرانی به‌پایان می‌رسید، استاد خطاب به دیگر افراد گروه اظهار می‌داشتند چنانچه مطالبی از موضوع کنفرانس ناگفته مانده و یا ناقص اظهار شده، در جایگاه سخنرانی قرار گرفته، نظرشان را اظهار دارند. بعد از خاتمه‌ی کنفرانس گروه منتخب، استاد شروع به صحبت می‌کردند. با اطلاعات جامعی که داشتند، به نقد مطالب گفته‌شده می‌پرداختند. سخنان ایشان گاه ساعت‌ها به طول می‌انجامید، به‌طوری که در نهایت در مورد موضوع کنفرانس هیچ مطلبی ناگفته باقی نمی‌ماند. این کلاس‌ها برای دانشجویان بسیار قابل استفاده و پرثمر بود، در این کلاس‌ها بود که دانشجویان علاوه بر بهره‌گیری از مطالب گفته‌شده، نحوه‌ی ادای درست کلمات و اصطلاحات را یاد می‌گرفتند و نیز می‌آموختند در کارهای تحقیقی باید از تعصبات و مکتب‌گرایی‌ها دوری جست، امانت‌داری و صداقت و دوری‌جستن از تمایلات شخصی و پیش‌داوری‌ها همواره می‌بایستی مدنظر قرار گیرد.

دوره‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی تحقیقات و مطالعات اجتماعی بین سال‌های ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۳ یک دوره‌ی کاملاً استثنایی است. در روزهای ثبت‌نام دوره‌ی کارشناسی ارشد، فارغ‌التحصیلان رشته‌ی کارشناسی دانشکده‌های مختلف، از جمله دانشکده‌ی نظامی نیز ثبت‌نام نمودند. دانشجویان به تعداد بیش از آن‌چه تصور می‌شد، پذیرفته شدند، در نتیجه کلاس درس استاد با وجودی که گنجایش زیادی داشت، عده‌ی

۵۳۰۰ وکیل احصا شده است. به طوری که در کانون وکلای دادگستری شیراز، ۵۲۲ نفر، آذربایجان شرقی ۳۷۴ نفر، آذربایجان غربی ۲۰۳ نفر، مازندران ۳۸۵ نفر، خراسان ۳۵۹ نفر، اصفهان ۴۴۵ نفر، گیلان ۱۷۴ نفر، قزوین ۲۱۵ نفر، کرمانشاه ۱۲۰ نفر، همدان ۹۱ نفر، ایلام ۹۴ نفر، خوزستان ۲۴۷ نفر و کانون وکلای مرکز ۲۳۵۰ وکیل مشغول به امر وکالت هستند. از سوی دیگر، رشد جرایم و طرح دعاوی گوناگون در محاکم دادگستری از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۰ تقریباً هرساله ده درصد افزایش یافته است. در حقیقت، حل و فصل سالانه ۲۱۳۰ پرونده در هر یک از شعب دادگاه‌های کشور فشار طاقت‌فرسایی است که به جامعه‌ی قضات کشور و به طور کلی به دستگاه قضایی وارد می‌آید. در عین حال در ساختار کنونی نظام قضا در کشور با وجود کار سنگینی که بر دوش قضات دادگاه‌ها قرار دارد، اما هم‌چنان میزان جرایم و دعاوی رو به فزونی دارد و طبیعی است که این معضل صرفاً از طریق افزایش شعب دادگاه‌ها و دادیاری‌ها و بازپرسی‌ها و یا سنگین‌تر ساختن مسؤلیت و فعالیت قضات محاکم و دادیاران و بازپرسان در دادرها به نتیجه‌ی مقرون به قبول نخواهد انجامید، چرا که ساختار قضایی سنتی در جوامع مدرن پاسخ‌گوی حل و فصل دعاوی نیست. اگرچه در برنامه‌ی سوم توسعه‌ی اقتصادی - اجتماعی کشور، طی مواد ۱۸۷ و ۱۸۹، اولاً از طریق تسهیل دریافت اجازته‌ی وکالت رسمی به فارغ‌التحصیلان حقوق توسط قوه‌ی قضاییه و ثانیاً با تأسیس شوراهای حل اختلاف، کوشش به عمل آمده تا بر مشکلات ساختاری امر قضا در کشور راه‌حلی در خور پیدا شود، ولی به نظر می‌رسد رویکرد اقتصادی به سازمان قضا و تبیین جایگاه امر وکالت در ساختار سرمایه‌داری رقابتی و فاصله‌گرفتن از مفهوم وکالت در ساختار سرمایه‌داری دولتی، مشکل‌گشای توسعه‌ی اندیشه‌ی حقوقی در کشور باشد، چرا که از نقطه‌نظر قانونی، در سال ۱۳۱۵، برای

اولین بار رسماً قانون وکالت در ایران تصویب شد، اما پیش‌ترها در سال ۱۲۹۰، در مواد ۲۳۹ تا ۲۶۳ قانون اصول تشکیلات عدلیه و بعدها در قانون مدنی طی ۳۲ ماده از نظر حقوقی موضوع وکالت به‌عنوان یک شغل کدگذاری گردیده است و النهایه در سال ۱۳۳۳ اولین قانون استقلال کانون وکلا در ایران رسمیت یافت و در سال ۱۳۷۶ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری در ۷ ماده و ۱۴ تبصره به تصویب رسید، ولی با وجود این، چرا تا امروز که قریب نیم‌قرن از تدوین قانون استقلال کانون وکلا می‌گذرد، هنوز این نهاد نتوانسته جایگاه شایسته و مستقل خود را در مناسبات حقوقی جامعه به دست آورد و چرا وکلای دادگستری قادر نبوده‌اند به‌عنوان کاشفین حقوق مردم، حق نسبی را به‌جای حق مطلق در مناسبات حقوقی جامعه پی‌ریزی کنند و حقوق خصوصی مدنی را که اساس امنیت حقوقی آحاد جامعه است، نهادینه سازند؟ قطعاً جامعه‌شناسان، حقوق‌دانان، قضات و وکلا هر کدام به‌نحوی این موضوع را مورد بررسی قرار می‌دهند و بنا بر صلاحیت و تخصص خود موارد مؤثری را یادآور خواهند شد، اما اگر بخواهیم از منظری تازه یعنی از نگاه تحلیل اقتصادی در چارچوب اقتصاد نئوکلاسیک و نظریه‌ی نهادی این موضوع را شناسایی کنیم، چه دلایلی می‌توان برای آن ارائه داد؟

پیش از ورود به مبحث اصلی، لازم به ذکر است چون تحلیل‌های اقتصادی معمولاً عربیان و بی‌پرده‌پوشی و غالباً با استناد به عوامل عینی صورت‌بندی می‌گردد، ناچار باید قبل از ارائه‌ی تحلیل اقتصاد وکالت اشاره نمود که چنان‌چه در این بحث مجبور شویم از واژه‌ها و اصطلاحات اقتصادی و یا مفاهیم بازاری استفاده کنیم، هیچ‌گاه منظور و مقصود اسانه‌ی ادب و یا تحقیر و یا دست‌کم گرفتن هیچ‌کس و هیچ نهادی نیست، بلکه چون اصولاً طرح این بحث در سطح تئوریک موضوعی جدید است، امکان دارد برخی از صاحب‌نظران، جسارت طرح و

ورود به این موضوع را با تعرض به حوزه‌ی پرمنازعه‌ی قضا و وکالت دلیلی بر مقصودی غیرعلمی قلمداد نمایند و اغراض غیرتحلیلی را مؤثر در تقریر این نظریه به حساب آورند، لذا از پیش باید مشخص نماییم هیچ منظور غیرکارشناسی در طرح این نظریه وجود ندارد و اساساً ارائه‌ی این بحث تنها به دلیل نگاه تازه‌ای است که می‌توان راجع به ساخت تاریخی نظام قضا در کشور مطرح ساخت و لزوم هم‌سویی آن را با جمیع سمت‌گیری‌های کلان توسعه‌ی اقتصادی کشور در قالب برنامه‌های پنج‌ساله جهت تحقق رشد درون‌زا و توسعه‌ی همه‌جانبه‌ی کشور مورد توجه قرار داد، چرا که از نگاه اقتصادی، وکالت مثل هر کالایی در جامعه مانند کتاب و لباس و تدریس و جمیع مایحتاج زندگی، باید به‌عنوان امری که انتفاعی را برای مردم داشته باشد، مورد بررسی قرار گیرد، یعنی همان‌گونه که پیدایش بازار برای کتاب و لباس و هر کالای دیگر موجب تسهیل مبادله و کاهش هزینه‌ی معاملاتی می‌شود، امر وکالت نیز دوچندان نیازمند بازار خاص خود است، زیرا وکالت از یک سو به‌عنوان یک کالا و خدمت که درجه‌ی آگاهی حقوقی بازیگران جامعه را تعیین می‌کند و هزینه‌ی مبادلاتی آن‌ها را کم و یا زیاد می‌نماید، دارای قیمتی بازاری است و از سوی دیگر، چون به‌عنوان کالایی که میانجی‌همه‌ی روابط اجتماعی است، می‌تواند به‌عنوان یک شاخص همان نقشی را در مناسبات حقوقی جامعه ایفا کند که پول در مناسبات اقتصادی جامعه به‌عهده دارد.

اما با این وصف، اگرچه در طول تاریخ، بازار قضاوت در ایران گرم بوده است، ولی سؤال اساسی این است که چرا بازار وکالت در ایران یا اصلاً وجود نداشته و یا در صورت وجود هم‌چنان سرد است، تا آن‌جا که می‌توان با قاطعیت ادعا نمود در ایران برعکس تاریخ حقوق در غرب، اصولاً بازاری به‌نام بازار وکالت وجود ندارد، ولی با این وجود، طی ۲۵ قرن گذشته، بازاری به‌نام

بازار قضاوت وجود داشته و قیمت‌های مناسبی برای آن پذیرفته شده است. از جمله دلیل این ادعا، قصیده‌ی «قاضی بغداد» سروده‌ی پروین اعتصامی است که به‌نوعی شرح بازار قضاوت در عصر عباسی‌ها و وصف بازار قضاوت در تاریخ گذشته‌ی ماست. به همین سبب، توصیف معیارهای قاضی خوب و قابل اعتماد که در دستورالعمل‌ها و کتب فقهی و اخلاقی به کرات ذکر شده و با مثال‌های فراوان تشخیص سره از ناسره تشریح گردیده، همگی دلیل قاطعی است بر عملکرد بازار قضاوت در فقدان بازار وکالت که نتایج تلخی را در تاریخ قضا در ایران به‌یادگار گذاشته است، چرا که بسیاری از ضرب‌المثل‌ها و جملات قصار در ادبیات شفاهی مردم ایران، از جمله آن که می‌گوید «گنه کرد در بلخ آهنگری / به شوشتر زدند گردن مسگری» و یا «خر ما از کره‌گی دم نداشت» ناشی از آرای سخیفی بود که از ناحیه‌ی چنین قضاتی که محصول بازار قضاوت به‌معنی فنی و اقتصادی آن بوده‌اند، صادر و به‌اجرا درمی‌آمده است.

بیهوده نیست که بر سر منصب قضاوت (موید موبدان و قاضی‌القضات) در تاریخ ایران همواره منازعات و معاملات شگرفی وجود داشته تا آن‌جا که حتا نظام‌های سیاسی را به‌شدت تحت تأثیر خود قرار داده است و ساخت دوگانه‌ی قدرت را به تاریخ سیاسی ایران تحمیل نموده است. رد منصب قضا از سوی قضات منفی و کناره‌گیری از آن در دروان خلافت عباسی‌ها و بویژه تأسی شیعیان به عدالت و قضاوت‌های حضرت علی (ع)، به‌عنوان الگوی هر قاضی عادل، همگی گواه آشکاری است بر وجود و عملکرد اقتصادی بازار قضاوت در ساخت قضایی حاکم بر مناسبات حقوقی جامعه که نفی آن و اعاده‌ی عدالت به آرزویی تاریخی برای مردم ایران تبدیل گردیده بود و ضرورتاً عدالت‌طلبی حقوقی را در کنار عدالت‌طلبی اقتصادی چونان ایدئولوژی راستین مردم ایران به نیروهای سیاسی گره

می‌زد. در واقع، آغاز تأسیس حکومت و تعیین اولین شاه در ایران از طریق جنگ و یا سپاه‌گیری صورت نگرفته است، بلکه اولین شاه ایران یعنی دیاکو به‌سبب داوری‌های منصفانه‌ی او به منصب حکومت برگزیده شد. از این نظر، ساختار سیاسی - حقوقی در ایران ملهم از ساختار قضایی بوده است، یا به‌عبارت دیگر، اساس تمام حکومت‌های ایران از مادها به بعد، بر نحوه‌ی تعامل با امر قضا صورت‌بندی شده و دوام یافته است. دلیل این ساختار ویژه در این بود که اساساً نظام قضایی در ایران همواره بر بنیاد قاضی محوری ساختارمند شده است و لذا منصب قضاوت از نقطه‌نظر بازاری آن چنان جذابیته داشته که ابوالعباس بن ابی‌الشوارب حاضر می‌شود با پرداخت سالیانه دویست‌هزار درهم به معزالدوله دیلمی، این منصب را از آن خود کند. لذا هم‌چنان که شاه حاکم سیاسی جامعه بود، قضات حاکم حقوقی جامعه بوده‌اند. در واقع، قضات در ایران چونان قشری حکومتگر، دولت دوم را در ایران تشکیل می‌داده‌اند.

اما ساختار دستگاه قضایی قاضی محور ایران که ترتیبات سازمان اداری آن عبارت بود از: قاضی، نایب‌قاضی، امین قاضی، وکیل قاضی، شهودالقضات، معدل، مزکی، عوان نتیجه‌ی صورت‌بندی امر حقوقی بنا بر حقوق خود بنیاد بود که ریشه در قیمت‌های نسبی عوامل تولید داشت، به‌عبارت دیگر، مسأله‌ی حق در ایران از نقطه‌نظر تاریخی و به‌دلیل ساختار اقتصادی - اجتماعی، امری پیشین شناخته‌شده بود که فقط باید تشخیص می‌گردید، پس از نظر سازمانی فقط نیاز به قاضی داشت، در حالی که در حقوق غرب حق امری پسین تلقی می‌شد که می‌بایست کشف می‌شد، پس از نظر اجتماعی نیاز به وکیل دعای داشت، زیرا کشف حق الزاماً به رابطه‌ی تفهمی با مدعی و مدعی‌علیه بستگی داشته است و این همان کاری بود که در عالم واقع از وکیل برمی‌آمد، چرا که مبنای قضاوت در ساختار

حقوقی غرب عرف سیال و جاری با عاملیت انسان اقتصادی بود و قضات فقط کافی بود از وجدان عمومی تغذیه می‌گردیدند، حکم عادلانه صادر می‌شد. لذا دانش قاضی و یا تخصص او در نظام حقوقی غرب، ملاک مناسبت حکم نبود، بلکه آن‌چه فایده‌ی امر قضا را به زندگی جاری جامعه تسری می‌داد، وجود وکیل بود که طبعاً در رابطه‌ای مفهومی و بی‌واسطه با مدعی یا مدعی‌علیه قرار داشت. از همین رو، وکیل از طریق ارتباط با موکل و کشف حق در محکمه حضور می‌یافت و قاضی را که فردی عامی بود، به‌همراه هیأت منصفه به قضاوت می‌طلبید.

هوجی‌های کرایه‌ای وکلای رومی در محاکم قضایی، شاهی روشن بر عملکرد بازار وکالت در تاریخ حقوق غربی است. بنابراین در حقوق غربی بازار وکالت از ابتدای تأسیس تمدن و پیدایش حقوق رمی شکل گرفت و ساختار دستگاه قضایی را وکیل محور ساخت.

در هر حال، همان‌گونه که در **تاریخ حقوق ایران** در باب وظایف و محاسن و سجایای قاضی عادل سخن بسیار رفته است، درست برعکس در حقوق غربی در باب محاسن و وظایف و ویژگی‌های وکیل خوب اظهار نظر شده است، به‌عبارت دیگر، همان‌طور که در تاریخ ایران در باب قضات ناعادل و ناصالح نقل‌قول‌های فراوان شده و در مقابل سجایا و خصوصیات قاضی خوب فهرست شده است، در غرب وکیل بد و حریص و طماع به چالش کشیده شده است.

سیسرون، معروف‌ترین وکیل مدافع رومی، با آن‌که در دوران او هنوز پرداخت حق الوکاله ممنوع بود، با وجود این از طریق توارث در اموال موکلین که شکلی غیرعلنی برای دریافت دستمزد بود، مبلغ بیست میلیون سسترس، معادل دو میلیون دلار، ظرف سی سال به ارث برد و یا وکیلی دیگر در همین عصر در دوران وکالت خود، سیصد میلیون سسترس برابر سی میلیون دلار به‌دست آورد.

راز ماندگاری حافظ

☒ من خواننده و جست‌وجوگر در احوال و اشعار حافظ، اکنون به این نتیجه رسیده‌ام که راز ماندگاری و محبوبیت روزافزون حافظ آن است که او در بُعد «صورت» و «معنا» در اشعارش بیش از شاعران دیگر به کمال نزدیک است. در بُعد معنا شاعری است با نخله‌ی فکری منسجم و مدون، به عبارتی صاحب مکتب و مشرب روشن و عالی که در آن مشرب عناوین و کلمات سمبلیک نظیر «پیر مغان»، «زند»، «سالک»، «جام‌جم»، «مُلک سلیمان»، «باده»، «خرابات»، «روز ازل» و... آن‌طور که در اشعار عرفانی متداول شده بود، دست‌مایه‌ی شاعر نشده‌اند، یعنی مطابق عرف و عادت کاربرد نیافته‌اند، بلکه جان‌مایه‌ی تفکر شاعر هستند که در سراسر دیوان قوام و دوام یافته، ساری و جاری‌اند و جهان‌بینی او را تفسیر می‌کنند. دیگر آن‌که در این بُعد شاعر مقام یک پروفیسور را دارد که در زمینه‌ی علوم متداول عصر از مباحث دینی، قرآنی، فلسفه، عرفان، حکمت، نجوم، علوم بلاغی و نحوی، موسیقی، ادبیات ایران و عرب گرفته تا تاریخ، افسانه و اسطوره... احاطه‌ی چشمگیری دارد. و البته از مجموعه این دانش، جدای از بارورساختن مکتب و مشرب خویش، به‌صورت چاشنی کلام و ایجاد نکته‌های نغز، ناب‌ترین بهره را می‌برد؛ به‌عنوان نمونه بیت ذیل را با توضیح دانشمند نجوم آقای مهندس مهدی غزنی، مرور کنیم:

«گفتم که خواجه کی به سر حجله می‌رود
گفت آن زمان که مشتری و مه قران کنند»
مشتری، نر، است و کوکب اعیان، اشراف و علما... مه، ماده است و علامت عفت و سلامت طبع، قران هم یعنی مقارنه، یعنی روی هم افتادن دو سیاره. باری حافظ در این جهان‌بینی شکل‌یافته و عمیق که هشیارانه و البته به قصد رهایی از خبث ریاکاران روزگار زندانه و پوشیده! بیان می‌دارد، از انعکاس حوادث روزگار و تأثیر آن در احوال خود و مردم غافل نیست.

منوچهر اسکندری - ۱۳۸۳/۴/۱

حکومتی، حاضر به قبول مقام قضاوت نمی‌شدند. در هر حال، محصول نظام قضایی قاضی محور، کاهش دانش حقوقی جامعه و غلبه‌ی قانون و سنن بر حقوق مدنی است. ختا می‌توان مدعی شد در تاریخ حقوق تمدن بین‌النهرین و به‌طور کلی خاورمیانه، اگرچه از ابتدا کدهای قانونی مثل قانون اور، نمو، حمورابی و کوروش موجود شده، ولی اصولاً به‌عنوان قوانین تکمیلی - کمکی عمل می‌کرده، ولی در عوض حقوق خود بنیاد اولاً قوانین جاری و متکی بر قرارداد را براساس عرف‌های ناشی از مالکیت خود بنیاد ساختارمند می‌ساخت و ثانیاً نظام قضایی قاضی محوری را به‌عنوان سازمان هم‌پوشانی این حقوق قاعده‌مند نموده است. طفره از قانون هم‌زاد قاضی محوری است و هر دو ناشی از تضاد حقوق و سیاست در تمدن خاورمیانه است. با این احوال، طی یک قرن اخیر، نظام قضایی غرب نفوذ خود را در ساختار قضایی ایران آغاز کرده و دوگانگی حقوقی - قانون ویژه‌ای بر ساخت امر قضا تحمیل نموده که به‌نظر می‌رسد دولت‌ها بیش‌تر انعکاس حقوق دولتی و مدون، یعنی قوانین موضوعه بوده‌اند و وکلا و برخی قضات خواستگاه حقوق مردم را پی‌گیری می‌کرده‌اند. با وجود این، ولی متأسفانه ختا بعد از انقلاب نهاد قضایی و نهاد وکالت به هم‌زیستی کارکردی کامل و شایسته‌ای دست نیافته‌اند تا بیگانگی این دو نهاد را که ریشه در تاریخ ایران دارد، ترمیم سازد.

لذا باید بازار وکالت با حداقل محدودیت به‌رسمیت شناخته شود و وکیل محوری بیش از پیش جایگزین قاضی محوری گردد تا امر قضا برای همیشه از حوزه‌ی تأثیرات اقتصادی و سیاسی خارج شود، چرا که ساختار قضایی وکیل محور تعرض به حقوق دیگران را در قلمرو و رفتار اجتماعی محدود می‌کند و هر فرد را به قاضی خود تبدیل می‌سازد، در نتیجه محاکم را خلوت می‌نماید.

علی فتاحی - ۱۳۸۳/۵/۱۲

به همین دلیل، ساختار وکیل محور حقوق رومی، لاجرم منجر به پیدایش بازار وکالت و خدمات حقوقی شد و در نهایت برای هر وکالت ده‌هزار سسترس، یعنی هزار دلار حق‌الوکاله تعیین گردید، ولی به مرور زمان، بازار وکالت در ساختار قضایی غرب از بعضی محدودیت‌ها آزاد شد و لاجرم متقابلاً بازار قضاوت که تیشه بر ریشه‌ی عدالت است، در غرب اجازه‌ی رشد نیافت. در نتیجه‌ی این فرآیند در نهایت سازمان قضایی به‌عنوان یکی از قوای سه‌گانه و مستقل از قوای دیگر به‌رسمیت شناخته شد.

خلاصه‌ی کلام آن‌که، در حقوق رومی - ژرمنی، ظهور بازار وکالت مانع تولد بازار قضاوت شد و اگرچه برخی از وکلا، موکلین خود را چپاول می‌کردند، ولی عدالت استوار ماند، اما در مقابل در ایران بازار قضاوت اجازه‌ی پیدایش و رشد بازار وکالت را تا همین پنجاه سال قبل میسر نساخت و اگر در طول تاریخ هزینه‌ای به‌عنوان مخارج وکیل به مردم تحمیل نشد، ولی عدالت قربانی شد. جالب آن‌که شغل وکالت یکی از پردرآمدترین مشاغل در تاریخ حقوق رومی است، به‌گونه‌ای که تاریخ ادبیات حقوقی غرب مملو از روایات و یادداشتهای متعددی راجع به وکلای پول‌دوست است و ختا واژه‌ی «پروفیسور» برای اولین بار برای توصیف حقوق‌دانانی اختراع شد که استاد حقوق مدنی بودند که از سوی مقامات دولتی اجازه می‌یافتند مدرسه‌ی حقوق تأسیس کنند تا کسانی را که در جست‌وجوی ثروت بودند، وکالت تعلیم دهند تا آن‌که به درآمد حاصل از شغل وکالت که آرزوی هر رومی بود، دست یابند. برعکس، در تاریخ حقوق ایران تا قبل از اسلام، رسیدن به مقام موید موبدان و بعدها به مقام قاضی‌القضاتی آرزویی بود که هر خانواده‌ای که فردی تحصیل کرده داشت، درصد بود تا از این طریق به ثروتی که علاقه‌مند است دست یابد. لذا بسیاری از قضات صالح و پرهیزکار نظیر ابوحنیفه (رییس مذهب حنفی)، ختا با اصرار فراوان مقامات